

وهابیت و اتهام بدعت به مسلمانان

وهابیت و اتهام بدعت به مسلمانان

بدعت یعنی چیزی را که داخل در دین نیست، در دین داخل کردن. در مورد آئین وهابیت نیز بدعت فراوان یافت می شود کلا هر چیزی که با افکار آنان تطبیق نکند را بدعت به حساب می آورند. این مقاله ابتدا برخی موارد آن ذکر می گردد و در ادامه مفهوم بدعت و نقد اندیشه وهابیت در این زمینه اشاره می شود.

مقدمه

از زشت ترین پدیده ها در آیین وهابیت این است که هر چیزی که با افکار آنان تطبیق نکند، آن را بدعت شمرده و شرک می دانند که این مقاله ابتدا برخی موارد آن ذکر می گردد و در ادامه مفهوم بدعت و نقد اندیشه وهابیت در این زمینه اشاره می شود.

1- بدعت شمردن مراسم میلاد رسول اکرم صلی الله علیه و آله

بن باز مفتی اعظم سابق سعودی می نویسد:

لايجوز الاحتفال بمولد الرسول صلى الله عليه وسلم ولاغيره؛ لأن ذلك من البدع المحدثه في الدين، لأن الرسول [صلى الله عليه و آله] لم يفعله ولاخلفاؤه الراشدون ولاغيرهم من الصحابة - رضی الله عنهم - ولالتابعون لهم بإحسان في القرون المفضلة^[1]؛ مراسم میلاد پیامبر گرامی جایز نیست؛ چون بدعت در دین محسوب می شود؛ زیرا رسول گرامی و خلفای راشدین و صحابه و دیگر تابعین، چنین مراسمی را انجام نمی داده اند.

2- مراسم سوگواری پیامبران و صالحان

هیئت دائم افتای سعودی در پاسخ به سؤالی پیرامون مراسم سوگواری می نویسد:

لايجوز الإحتفال بمن مات من الأنبياء والصالحين ولا إحياء ذكراهم بالموالدِ و... لأن جميع ما ذكر من البدع المحدثه في الدين و من وسائل الشرك^[2]؛ مراسم سوگواری برای پیامبران و صالحان و هم چنین مراسم بزرگداشت آنان جایز نیست و بدعت در دین و از وسایل شرک به حساب می آید.

3- درود بر رسول اکرم (ص) قبل وبعد از اذان

هیئت دائم افتای سعودی در پاسخ به سؤالی پیرامون درود و تحیت بر پیامبر اکرم [صلى الله عليه و آله] می نویسد:

ذكر الصلاة والسلام على الرسول صلى الله عليه وسلم قبل الأذان، وهكذا الجهرُ بها بعد الأذان، مع الأذان، من البدع المحدثه في الدين، وقد ثبت عن النبي صلى الله عليه وسلم أنه قال: "من أحدث في أمرنا هذا، ما ليس منه فهو ردٌّ". متفق عليه.

وفى رواية: "من عمل عملاً ليس عليه أمرنا فهو ردٌّ". رواه مسلم... من فعل تلك البدعة ومن أقرها ومن لم يغيرها وهو قادر على ذلك، فهو آثم^[3]؛ درود فرستادن بر رسول اکرم [صلى الله عليه و آله] قبل از اذان و بعد از اذان، از بدعت هایی است که در دین ایجاد شده و رسول اکرم [صلى الله عليه و آله] فرموده است: هر کس بر دستورات دینی ما چیزی بیفزاید، مردود است و همچنین فرموده است: هر کس عملی را انجام دهد که ما به آن دستور نداده ایم قابل

قبول نیست.

همین مطلب در نوشتار بن باز مفتی عظم سابق سعودی نیز آمده است^[4]. در بخش جنایات و هابیت گذشت که زینی دحلان مفتی مکه مکرمه می نویسد:
وهابی ها از درود فرستان به پیامبر گرامی [صلی الله علیه و آله] بر روی منابر و پس از اذان، ممانعت می کردند، مرد صالح نابینایی بود که اذان می گفت و پس از اذان به رسول اکرم [صلی الله علیه و آله] صلوات فرستاد، آن را نزد محمد بن عبد الوهاب آوردند و او دستور قتل آن مؤذن نابینا را به جرم درود بر حضرت صادر کرد و او را کشتند.
زینی دحلان در ادامه می گوید: اگر مانند این کارهای زشت و هابی ها را بخواهم بنویسم، دفترها مملو خواهد شد^[5]

4- دعا در کنار قبر رسول اکرم (ص) به قصد اجابت

شیخ صالح فوزان عضو هیئت افتای سعودی می نویسد:
من الیدع التي تقع عند قبة الرسول صلى الله عليه وسلم كثرة التردد عليه، كلما دخل المسجد ذهب يسلم عليه، وكذلك الجلوس عنده، ومن البدع كذلك، الدعاء عند قبر الرسول صلى الله عليه وسلم أو غيره من القبور، مظنة أن الدعاء عنده يستجاب^[6]؛ رفت و آمد زیاد به کنار قبر رسول اکرم [صلی الله علیه و آله] و نشستن در آنجا و سلام گفتن به حضرت، بدعت به شمار می آید و همچنین دعا کردن به این نیت که شاید در آنجا به اجابت برسد، نیز از بدعت ها به حساب می آید.

5- اهداء ثواب نماز و قرآن به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

لجنة دائم افتای سعودی می نویسد:
لا يجوز إهداء الثواب للرسول صلى الله عليه وسلم، لا ختم القرآن ولا غيره، لأن السلف الصالح من الصحابة رضی الله عنهم، ومن بعدهم، لم يفعلوا ذلك، والعبادات توقيفية^[7]؛ و هم چنین اهداء ثواب و ختم قرآن برای رسول گرامی نیز جایز نمی باشد، چون اصحاب پیامبر و دیگران چنین کاری نکرده اند.

6- گرفتن مجالس بزرگداشت برای مردگان

شیخ عثیمین از مفتیان و علمای بزرگ سعودی می نویسد:
وأما الاجتماع عند أهل الميت وقراءة القرآن، وتوزيع التمر واللحم، فكله من الیدع التي ينبغي للمراء تجنبها؛ فإنه ربما يحدث مع ذلك نياحة وبكاء وحزن، وتذكر للميت حتى تبقى المصيبة في قلوبهم لا تزول. وأنا أنصح هؤلاء الذين يفعلون مثل هذا، أنصحهم أن يتوبوا إلى الله عز وجل^[8]؛ اجتماع نزد مصیبت دیده و هم چنین خواندن قرآن برای میت و توزیع خرما و گوشت از بدعت هایی است که باید از آن اجتناب نمود، چون این کار باعث نوحه سرایی و گریه و حزن داغدیدگان می شود و تلخی مصیبت برای همیشه در قلب آنان می ماند و من این چنین افراد را نصیحت می کنم که از این کار خود، دست برداشته و توبه نمایند.

7- اهداء ثواب نماز به اموات

لجنة دائم افتاء سعودی می نویسد:
لا يجوز أن تهب ثواب ما صليت للميت؛ بل هو بدعة؛ لأنه لم يثبت عن النبي صلى الله عليه وسلم ولا عن الصحابة رضی الله عنهم^[9]؛ هدیه نمودن ثواب نماز به میت، بدعت محسوب می شود، چون از رسول اکرم [صلی الله علیه و آله] و اصحاب در این باره چیزی نرسیده است.

8- آغاز نمودن جلسات با آیات قرآن

شیخ عثیمین از مفتیان سعودی می نویسد:

تتخذ الندوات والمحاضرات بآيات من القرآن دائما كأنها سنة مشروعة، فهذا لا ينبغي؛ [10] آغاز نمودن جلسات و سخنرانی ها با آیات قرآن به صورت دائم به عنوان سنت مشروع، شایسته نیست.

9- قرائت قرآن و دعاء، به صورت دسته جمعی

لجنة دائم افتاء سعودی نوشته است: إن قراءة القرآن جماعة بصوت واحد بعد كل من صلاة الصبح والمغرب أو غيرهما بدعة، وكذا التزام الدعاء جماعة بعد الصلاة [11]؛ قرائت قرآن و همچنین خواندن دعاء به صورت دسته جمعی و با یک صدا پس از نماز صبح و مغرب و غیر آن ها بدعت است.

10- گفتن صدق الله العظيم بعد از ختم قرآن

لجنة دائم افتاء سعودی نوشته است: قول صدق الله العظيم بعد الإنتهاء من قراءة القرآن بدعة [12]؛ در پایان قرائت قرآن، گفتن "صدق الله العظيم" بدعت است.

شیخ عثیمین از مفتیان بزرگ سعودی نیز به همین حکم فتوا داده است. [13]

11- دست کشیدن به پرده کعبه

شیخ عثیمین از مفتیان و علمای بزرگ سعودی می نویسد: التبرک بثوب الكعبة والتمسح به من الیدع؛ لأن ذلك لم یرد عن النبی صلی الله علیه وسلم [14]؛ تبرک جستن به پرده کعبه و دست کشیدن به آن بدعت به شمار می رود، چون از رسول اکرم [صلی الله علیه و آله] دستوری در این باره نرسیده است.

12- ذکر با تسبیح

بن باز مفتی اعظم سابق سعودی نوشته است: لانعلم أصلاً فی الشرع المطهر للتسبیح بالمُسبیحة، فالأولی عدم التسبیح بها، والإقتصار علی المشروع فی ذلك، وهو التسبیح بالأنامل [15]؛ ذکر گفتن با تسبیح در شرع مطهر وارد نشده است بهتر است به جای تسبیح، با انگشتان دست ذکر گفته شود. و ای کاش از وی سؤال می شد که آیا غذا خوردن با قاشق، مسافرت با ماشین و هواپیما، در شرع وارد شده یا خیر؟

13- جشن تولد نوزادان و سالگرد ازدواج

شیخ عثیمین از مفتیان وهابیت می نویسد: إن الإحتفال بعيد الميلاد للطفل، فيه تشبه بأعداء الله؛ فإن هذه العادة لیست من عادات المسلمین، و إنما ورثک من غیرهم، وقد ثبت عنه صلی الله علیه وسلم "إن من تشبه بقوم فهو منهم" [16]؛ برپایی مراسم جشن تولد برای اطفال، از عادات و سنت های اسلامی نیست، بلکه از دشمنان به ارث رسیده است، رسول اکرم فرموده است: هر کس شبیه هر ملتی (از دشمنان اسلام) شود، از آنان محسوب می گردد.

و در جای دیگر می نویسد:

وأما أعياد الميلاد للشخص أو أولاده أو مناسبة زواج ونحوها، فكلها غیر مشروعة و هی للبدعة أقرب من الإباحة؛ [17] اگر کسی برای خود و یا فرزندان خود جشن میلاد بگیرد و یا مراسم سالگرد ازدواج برپا کند، کار خلاف شرع مرتکب شده و این کار به بدعت نزدیک تر است.

هیئت دائم افتای سعودی در پاسخ به سؤالی پیرامون مراسم جشن تولد می نویسد: وأعیاد الموالد نوع من العبادات المحدثة فی دین الله فلا يجوز عملها لأی من الناس مهما كان مقامه أو دوره فی الحياة؛ [18] جشن تولد، نوعی از عباداتی است که در دین افزوده شده و

برای هیچ فردی اگرچه از شخصیت های برجسته جامعه و دارای موقعیت ممتاز هم باشد، جایز نیست.

نقد افکار وهابیت در بحث بدعت

عدم درک معنای صحیح بدعت

با توجه به آن چه که از تفکر وهابیت نسبت به بدعت گذشت، خوش بینانه ترین نگاه این است که وهابیت درک صحیحی از بدعت ندارند و دچار توهم گردیده و به هر چیزی را که مخالف تفکرات آنان داشته باشد، با عینک بدبینی آن را بدعت می شمارند و از این روی، نخست معنای بدعت را از دیدگاه لغت شناسان ذکر نموده و آنگاه بدعت را از منظر کتاب و سنت بررسی می کنیم.

معنای لغوی بدعت:

جوهری می نویسد:

إنشاء الشيء لا على مثال سابق، واختراعه وابتكاره بعد أن لم يكن...؛^[19] بدعت به معنای پدید آوردن چیز بی سابقه و عمل نو و جدیدی است که نمونه نداشته باشد. قطعاً بدعت به این معنا مورد تحریم در آیات و روایات نیست؛ زیرا اسلام مخالف با نوآوری و نوپردازی در زندگی بشری نیست، بلکه موافق با فطرت بشری است که همواره او را به نوآوری در زندگی فردی و اجتماعی سوق می دهد.

معنای شرعی بدعت:

معنای بدعت که در دین مورد بحث قرار می گیرد، عبارت از هرگونه افزودن و یا کاستن در دین به نام دین می باشد و این غیر از معنایی است که در معنای لغوی آن گذشت. راغب اصفهانی می گوید:

والبدعة في المذهب: إيراد قول لم يستنَّ قائلها وفاعلها فيه بصاحب الشريعة وأمائلها المتقدمة وأصولها المتفنة^[20]؛ بدعت در دین، گفتار و کرداری است که به صاحب شریعت مستند نباشد و از موارد مشابه و اصول محکم شریعت استفاده نشده باشد.

ابن حجر عسقلانی می گوید:

والمحدثات بفتح الدال جمع مُحدثّة، والمراد بها: ما أحدث وليس له أصل في الشرع ويسمى في عرف الشرع بدعة، وما كان له أصل يدلّ عليه الشرع فليس بدعة^[21]؛ هر چیز جدیدی که ریشه شرعی نداشته باشد، در عرف شرع، بدعت نامیده می شود و هر چه که ریشه و دلیل شرعی داشته باشد بدعت نیست.

همین تعریف را عینی در شرح خود بر صحیح بخاری^[22] و مبارکفوری در شرح خود بر صحیح ترمذی آورده^[23] و عظیم آبادی در شرح خود بر سنن ابوداود^[24] و ابن رجب حنبلی در جامع العلوم^[25] ذکر کرده اند. سید مرتضی از متکلمان و فقیهان نامدار شیعه در تعریف بدعت می گوید:

البدعة زيادة في الدين أو نقصان منه، من إسناد إلى الدين^[26]؛ بدعت افزودن چیزی به دین و یا کاستن از آن با انتساب به دین می باشد.

طریحی می گوید:

البدعة: الحدث في الدين، وما ليس له أصل في كتاب ولا سنة، وإنما سُميت بدعة؛ لأنَّ قائلها ابتدعها هو نفسه^[27]؛ بدعت، کار تازه ای در دین است که ریشه در قرآن و شریعت ندارد و به خاطر این بدعت نامیده شده که گوینده بدعت آن را ابداع کرده و به وجود آورده است.

ارکان بدعت

با توجه به مطالب یاد شده بدعت دارای دو عنصر و رکن است:

1. تصرف در دین:

هرگونه تصرفی که دین را نشانه گیرد و چیزی بر آن بیفزاید و یا بکاهد به شرطی که عامل این تصرف، عمل خود را به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت دهد. ولی آن نوآوری هایی که حالت پاسخگویی به روح تنوع خواهی و نوآوری انسان باشد، مانند فوتبال، بسکتبال، والیبال و امثال آن ها، بدعت نخواهد بود.

2. ریشه نداشتن در کتاب:

با توجه به تعریف اصطلاحی بدعت، نوآوری های مزبور در صورتی بدعت نامیده می شود که دلیلی برای آن ها در منابع اسلامی به صورت خاص و یا به صورت عام وجود نداشته باشد. ولی نوآوری هایی که می توان مشروعیت آن ها را از متن کتاب و سنت به نحو خاص و یا کلی استنباط کرد، بدعت نامیده نمی شود؛ مانند تجهیز کردن ارتش کشورهای اسلامی به وسایل مدرن و سلاح های پیشرفته روز که از عموم برخی از آیات قرآنی استنباط می شود مانند: "وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ" [28]؛ هر توان و نیرویی که می توانید برای مقابله با دشمن آماده سازید و هم چنین اسب های ورزیده، برای میدان نبرد تهیه نمایید تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید.

از دستور عام این آیه شریفه "وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ"؛ تا می توانید نیرو تهیه کنید، می شود مشروعیت تهیه تجهیزات مدرن نظامی را استفاده کرد. [29]

بدعت از منظر قرآن

1. قانونگذاری حق ویژه خداوند است:

از منظر قرآن، تشریح و قانونگذاری حق ویژه خداوند است و کسی بدون اذن او نمی تواند قانونی وضع کرده و دیگران را وادار به اجرای آن نماید: "إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ" [30]؛ حکم و فرمان تنها از آن خدا است و فرمان داده که غیر او را نپرستید، این است آیین پا برجا و استوار.

به قرینه "أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ" مراد از واژه "الحکم" تشریح و قانونگذاری است.

2. پیامبران هم، حق تغییر در شریعت ندارند:

رسول گرامی صلی الله علیه و آله نیز موظف به ابلاغ و اجرای شریعت الهی است و حق هیچ گونه تغییر در قوانین اسلامی را ندارد و در برابر درخواست کفار از حضرت که دین خود را تغییر دهد و یا قرآنی دیگری مطابق میل آنان

بیاورد، خداوند به حضرت دستور می دهد که: "قُلْ مَا يَكُونُ لِيَأْنُ أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقَايَ نَفْسِيَا إِنْ أَتَيْتُ إِلَّا مَا يُوْحِيَا إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ" [31]؛ در برابر این پیشنهاد به آنان بگو من حق ندارم که از بیش خود آن را تغییر دهم، فقط از چیزی که بر من وحی می شود، پیروی می کنم! من اگر پروردگارم را نافرمانی کنم از مجازات روز بزرگ (قیامت) می ترسم:

3. بدعت رهبانیت و مذمت آن در قرآن:

خداوند تبارک و تعالی، رهبانیت نصاری را که دامی بر سر راه بندگان خدا گسترده اند، بدعت و خلاف شرع دانسته و در مذمت آنان می فرماید: "وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِيقُونَ" [32]؛ و رهبانیتی که ابداع کرده بودند، ما بر آنان مقرر نداشته بودیم گرچه هدفشان جلب خشنودی خدا بود ولی حق آن را رعایت نکردند، (و به نام زهد و رهبانیت دام ها بر سر راه خلق خدا گسترده و دیرها را مرکز انواع فساد نمودند) برای از این رو ما به کسانی از آن ها که ایمان آوردند پاداششان را دادیم و بسیاری از آن ها فاسقند [33].

4. بدعت، افتراپی است بر خداوند متعال:

خداوند متعال مشرکان را به خاطر بدعتی که در دین گذاشته و آن را به خدا نسبت می دهند،

به سختی نکوهش کرده و می فرماید:
 «قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ أَلَا لِلَّهِ أِذْنٌ لَكُمْ أَنْ تَحْكُمُوا فِي شَيْءٍ مِنْ حَرَامِ اللَّهِ تَفْتَرُونَ» [34]؛ شما که بخشی از ارزاق خدادادی را حلال و بخشی دیگر را حرام کرده و آن را به خدا نسبت می دهید، آیا خدا به شما این چنین اجازه ای داده و یا به خدا افترا می بندید؟
 5. بدعت، دروغ بستن به خداوند است:

و در آیه دیگر تأکید نموده و می فرماید:
 «وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَلٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِيَتَفَتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يَفْلِحُونَ» [35]؛ این سخنان دروغ که به زبان جاری می سازید و می گوئید این حلال و این حرام است، تا به خدا به دروغ افترا می بندید، به یقین آنان که به خدا افترا می بندند، راه رستگار نخواهند شد.

بدعت، در آینه روایات

همان طوری که قرآن، بدعت گذاران را سخت نکوهش نموده و سخنان آنان را دور از واقعیت و دروغ و افترا به خدا معرفی می کند هم چنین در روایاتی که در کتب شیعه و سنی وارد شده به سختی از بدعت نکوهش شده و بدعت گران افراد فاسد و فاسق معرفی گردیده است که به عنوان نمونه به چند مورد از این روایات اشاره می کنیم:

1. هر بدعتی مردود است:

در صحیح بخاری و مسلم دو کتاب معتبر اهل سنت از قول عائشه، از رسول اکرم [صلی الله علیه و آله] نقل شده که فرمودند:
 من أحدث فی أمرنا هذا، ما لیس فیهِ فهو رد [36]؛ هر کس در این شریعت ما چیز جدیدی اضافه نماید، مردود است.

هم چنین در صحیح بخاری و مسلم آمده که پیامبر گرامی [صلی الله علیه و آله] فرمودند:
 ... ومن عمل عملاً لیس علیه أمرنا فهو رد [37]؛ هر کس عملی را انجام دهد که ما برآن دستور نداده ایم، مردود است.

و در صحیح مسلم از رسول گرامی [صلی الله علیه و آله] نقل کرده که فرمود:
 بهترین سخن، کلام خدا است و بهترین هدایت، رهنمود پیامبر [صلی الله علیه و آله] است و بدترین کارها بدعت است و هر بدعتی گمراهی است.

2. هر بدعتی گمراهی است:

در صحیح مسلم از رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله آمده:
 فإنّ خیر الحدیث کتاب الله وخیر الهدی هدی محمد وشر الأمور محدثاتها وکلّ بدعة ضلالة [38]؛ بهترین سخن، کلام خدا و بهترین هدایت، رهنمود پیامبر گرامی [صلی الله علیه و آله] است و بدترین چیزها، بدعت هایی است که در دین پدید می آید و هر بدعتی هم گمراهی است.

و در سنن نسائی آمده است:

وکلّ بدعة ضلالة وکلّ ضلالة فی النار [39]؛ هر بدعتی گمراهی است و سرانجام هر گمراهی، آتش است.

ابن حجر عسقلانی می گوید:

سخن رسول اکرم [صلی الله علیه و آله] که «کلّ بدعة ضلالة»؛ هر بدعتی گمراهی است؛ از نظر منطوق و ظاهر و از نظر مفهوم و دلالت یک قاعده کلی است؛ زیرا این سخن گویای این مطلب است که اگر در جایی بدعت یافت شود، محکوم به گمراهی است و از شریعت اسلامی خارج است؛ چون شریعت سراسر هدایت است و گمراهی ندارد.

اگر ثابت شود که یک حکمی بدعت است، دو مقدمه منطقی آن (این حکم، بدعت است و هر

بدعتی، گمراهی است) صحّت می یابد و نتیجه این قضیه (که این حکم خارج از شریعت است) ثابت خواهد شد.

و مراد حضرت از جمله "کلّ بدعة ضلالة" هر بدعتی گمراهی است، عبارت از هر کار جدیدی است که هیچ دلیل خاص و یا عام از شرع نداشته باشد.^[40] بدعت، در روایات شیعه

در کتب شیعه نیز روایات متعددی در مذمت بدعت و وجوب مبارزه با آن وارد شده که به برخی از آن ها اشاره می شود:

1. بدعت، زمینه ساز نابودی سنّت:

حضرت علی علیه السلام فرمود:

ما أحدثت بدعة إلا ترک بها سنّة^[41]؛ با هر بدعتی که پدید می آید، سنّتی از بین می رود.

2. بدعت گذار، گرفتار لعن خدا و ملائکه و مردم:

امام باقر علیه السلام از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که فرمود:

من أحدث حدثا، أو آوی محدثا، فعليه لعنة الله، والملائكة، والناس أجمعين، لا يقبل منه عدل ولا صرف يوم القيامة...^[42]

هرکس بدعت گذارد و یا بدعت گذار را مأوی دهد (امکانات خود را در اختیار او قرار دهد)، به لعنت خدا و ملائکه و تمامی مردم گرفتار خواهد شد و هیچ عملی از او پذیرفته نمی شود. ...
3. حرمت هم نشینی با بدعت گذاران:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

لا تصحبوا أهل البدع ولا تجالسوهم فتصيروا عند الناس كواحد منهم، قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم): المرء علی دین خلیله وقرینه^[43]؛ با بدعت گذاران نشست و برخاست نکنید که نزد مردم شما هم یکی از آنان محسوب می شوید چرا که انسان، هم کیش دوست و رفیق خود خواهد بود.

4. وجوب بیزاری از اهل بدعت:

امام صادق علیه السلام از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود:

إذا رأيتم أهل الريب والبدع من بعدی فأظهروا البراءة منهم، وأكثروا من سبهم والقول فيهم والوقیعة...^[44]؛ اگر بعد از من شکاکان و بدعت گذاران را دیدید، از آنان بیزاری بجوید و آنان را سبّ نمایید و سخنانی بی پروا بزنید (تا موقعیت آنان در جامعه به مخاطره افتاده و سخنانشان بی ارزش گردد).

5. نابودی دین با تشویق و احترام بدعت گذار:

امام صادق علیه السلام فرمود:

من تبسّم فی وجه مبتدع فقد أعان علی هدم دینه^[45]؛ هر کس به صورت بدعت گذار خنده کند و او را تشویق نماید در حقیقت به نابودی دین کمک کرده است.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

من مشی إلى صاحب بدعة فوقره فقد مشی فی هدم الإسلام^[46]؛ هر کس با بدعت گذار ارتباط داشته باشد و او را گرامی بدارد، در حقیقت، قدمی در نابودی دین برداشته است.

6. ضرورت مبارزه با پدیده بدعت:

کلینی از طریق محمد بن جمهور از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمودند: إذا ظهرت البدع فی أمتی فلیظهر العالم علمه، فمن لم یفعل فعليه لعنة الله^[47]؛ هنگامی که بدعت در میان امت ظهور کرد بر عالمان لازم است که عالمانه با آن مبارزه نمایند.

آیا مراسم بزرگداشت بزرگان دین بدعت است؟

در اول این فصل گذشت که وهابیت، هرگونه مراسم میلاد و یا سوگواری برای پیامبر اکرم صلی

الله علیه و آله را بدعت می شمارند.

از بن باز مفتی اعظم سابق سعودی نقل کردیم که گفته است: مراسم میلاد پیامبر گرامی جایز نیست؛ چون بدعت در دین محسوب می شود؛ زیرا رسول گرامی و خلفای راشدین و صحابه و دیگر تابعین، چنین مراسمی را انجام نمی داده اند^[48]. هم چنین هیئت دائم افتای سعودی در پاسخ به سؤالی پیرامون مراسم سوگواری نوشته است:

مراسم سوگواری برای پیامبران و صالحان و همچنین مراسم بزرگداشت آنان جایز نیست و بدعت در دین و از وسایل شرک به حساب می آید.^[49]

مراسم بزرگداشت موالید پیامبران ریشه قرآنی دارد

با توجه به نکته یاد شده به خوبی روشن می باشد که نسبت به مراسم

بزرگداشت پیامبر گرامی و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام عمومات و اطلاقاتی در کتاب و سنت وجود دارد که مشروعیت آن ها را ثابت می کند.

1. از مصادیق تکریم پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله:

خداوند تعالی می فرماید:

«قَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^[50]؛ آنان که به پیامبر ایمان آورده و به تکریم او پرداخته و او را یاری می نمایند واز نوری که همراه وی فرو فرستاده شده پیروی کنند، آنان همان رستگارانند.

از جمله «وَعَزَّرُوهُ» جواز تکریم و تعظیم به صورت کلی استفاده می شود و مراسم جشن و سرور به مناسبت ولادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از مصادیق این تکریم به حساب می آید.

2. پاداش رسالت:

خداوند متعال می فرماید:

«قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»^[51]؛ ای پیامبر بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم [اهل بیتم].

خداوند، در این آیه شریفه، محبت و مودت به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را پاداش رسالت قرار داده است که ما هر نوع تکریم از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام چه مراسم جشن و سرور به مناسبت میلاد آنان باشد و چه مراسم عزاداری در شهادت آنان باشد، همه و همه را در راستای اظهار ارادت به پیشگاه اهل بیت علیهم السلام و لبیک به ندای حق، در ادای پاداش رسالت می دانیم.

3. هم طراز جشن نزول مائده:

نکته جالب توجه داستان مراسم عید سالیانه بنی اسرائیل به مناسبت نزول مائده آسمانی است، که خداوند می فرماید:

«اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»^[52]؛ حضرت عیسی گفت: پروردگارا، از آسمان، مائده و خوانی بر ما بفرست تا عیدی برای اول و آخر ما و نشانه ای از جانب تو باشد.

وقتی نزول مائده و نعمت زودگذر، شایسته عید و جشن سالیانه باشد چرا روز ولادت و بعثت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله که حیات جاودانه به بشریت اهداء نمود^[53]، استحقاق

جشن و سرور و شادی نباشد؟

پاسخ نقضی به اعیاد ملی در عربستان

ولی جای بس شگفتی است که همان هیئت در رابطه با مراسم جشن های دولتی می نویسد:

وما كان المقصودُ منه (العید) تنظیم الأعمالِ مثلاً لمصلحةِ الأمةِ وضبطِ أمورِها؛ كأسبوعِ المُرورِ، وتنظيمِ مواعيدِ الدِّراسیةِ، والاجتماعِ بالموظِّفینِ لِلعَمَلِ ونحو ذلك، ممّا لا یفضی به إلى التقربِ والعبادةِ والتعظیمِ بالأصالةِ، فهو من الیدعِ العادیةِ التي لا یشمُّها قوله صلی الله علیه وسلّم ن أحدث فی أمرنا ما لیس منه فهو ردٌّ، فلا حَرَجَ فیهِ؛ بل یكون مشروعاً^[54]؛ اگر مقصود از مراسم برگزاری عید به خاطر مصلحت ملّت و تعظیم امور کشور صورت پذیرد، همانند هفته پلیس، آغاز سال تحصیلی، گردهمایی کارمندان دولتی و امثال آن ها که قصد تقرب و عبادت در آن نیست، مانعی ندارد و شامل نهی پیامبر نمی شود.

بدیهی است که چنین تفکری، نهایت تحجّرگرایی و انجماد فکری است؛ زیرا گذشته از این که مخالفت با برپایی جشن تولد، مخالفت با امری فطری است، بلکه هیچ تفاوتی میان جشن ولادت با جشن های دیگر مانند مراسم دولتی وجود ندارد، چون کسانی که برای فرزندان خود مراسم جشن تولّد می گیرند، هیچ گونه قصد تقرب و یا عبادت ندارند.

پاورقی

- [1] . مجموع فتاوی و مقالات متنوعه، ج 1، ص 183، فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، ج 3، ص 18.
- [2] . فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، ج 3، ص 54 فتاوی شماره 1774.
- [3] . فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، ج 2، ص 501، فتاوی شماره 9696.
- [4] . فتاوی اسلامیة، ج 1، ص 251.
- [5] . فتنة الوهابية، ص 20.
- [6] . مجله الدعوة، شماره 1612، ص 37.
- [7] . فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، ج 9، ص 58، فتاوی شماره 3582.
- [8] . فتاوی منار الإسلام، ج 1، ص 270.
- [9] . فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، ج 4، ص 11، فتاوی شماره 7482.
- [10] . نور علی الدرب، ص 43.
- [11] . فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، ج 3، ص 481 فتاوی شماره 4994.
- [12] . همان، ج 4، ص 149 فتاوی شماره 3303.
- [13] . ختم التلاوة به - أي بقول (صدق الله العظيم) - غير مشروع ولا مسنون، فلا یسنّ للإنسان عند إنتهاء القرآن الكريم أن یقول: (صدق الله العظيم). فتاوی اسلامیة، ج 4، ص 17.
- [14] . مجموع الفتاوی ابن عثیمین، شماره 366.
- [15] . فتاوی اسلامیة، ج 2، ص 366.
- [16] . فتاوی منار الإسلام، ج 1، ص 43.
- [17] . مجموع فتاوی و رسائل ابن العثیمین، ج 2، ص 302.
- [18] . فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، ج 3، ص 83، فتاوی شماره 2008.
- [19] . الصحاح، ج 3، ص 113؛ لسان العرب، ج 8، ص 6 و العين، ج 2، ص 54.
- [20] . مفردات ألفاظ القرآن، راغب أصفهانی، ص 39.
- [21] . فتح الباری، ج 13، ص 212.
- [22] . عمدة القاری، ج 25، ص 27.
- [23] . تحفة الأحوذی، ج 7، ص 366.
- [24] . عون المعبود، ج 12، ص 235.
- [25] . جامع العلوم والحکم، ص 160، طبع الهند.
- [26] . رسائل شریف مرتضی، ج 2، ص 264، نشر دار القرآن الکریم - قم.

- [27] . مجمع البحرين، ج 1، ص 163 مادّه "بدع".
- [28] . انفال (8) 60.
- [29] . وهابیت، مبانی فکری و کارنامه عملی آیت الله سبحانی، ص 83، با تلخیص و تصرف.
- [30] . یوسف (12) 40.
- [31] . یونس (10) آیه 15.
- [32] . حدید (57) آیه 27.
- [33] . تفسیر نمونه، ج 23، ص 382.
- [34] . یونس (10) 59.
- [35] . نحل (16) 116.
- [36] . صحیح بخاری، ج 3، ص 167، کتاب الصلح، باب قول الإمام لأصحابه اذهبوا بنا نصلح و صحیح مسلم، ج 5، ص 132، کتاب الأقضية، باب بیان خیر الشهود.
- [37] . صحیح بخاری، ج 3، ص 24، کتاب البيوع، باب كم يجوز الخيار و صحیح مسلم، ج 5، ص 132، کتاب الأقضية، باب بیان خیر الشهود.
- [38] . صحیح مسلم، ج 3، ص 11، کتاب الجمعة، باب تخفيف الصلاة والجمعة.
- [39] . سنن نسائی، ج 3، ص 188؛ جامع صغير سيوطی، ج 1، ص 243؛ صحیح ابن خزيمة، ج 3، ص 143 و الديباج على مسلم، ج 1، ص 5.
- [40] . وقوله "كلّ بدعة ضلالة" قاعدة شرعية كلية بمنطوقها ومفهومها أما منطوقها فكأن يقال حكم كذا بدعة وكل بدعة ضلالة فلا تكون من الشرع لان الشرع كله هدى فان ثبت ان الحكم المذكور بدعة صحت المقدمتان وأنتجتا المطلوب والمراد بقوله "كل بدعة ضلالة" ما أحدث ولا دليل له من الشرع بطريق خاص ولا عام. فتح الباری، ج 13، ص 212.
- [41] . نهج البلاغه خطبه 145، مستدرک وسائل، ج 12، ص 324 و بحار، ج 2، ص 264.
- [42] . وسائل الشيعه، ج 29، ص 28؛ بحار الأنوار، ج 27، ص 65؛ سنن أبی داود، ج 2، ص 375، طبع دارالفکر للطباعة، بيروت، با تحقيق سعيد محمد اللحام و سنن نسائی، ج 8، ص 20، طبع دارالفکر للطباعة، بيروت.
- [43] . كافي، ج 2، ج 375، ح 3، باب مجالسة أهل المعاصى.
- [44] . كافي، ج 2، ص 375، ح 4، باب مجالسة أهل المعاصى.
- [45] . بحار الأنوار، ج 47، ص 217؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج 3، ص 375 و مستدرک الوسائل، ج 12، ص 322.
- [46] . محاسن برقى، ج 1، ص 208؛ ثواب الأعمال صدوق، ص 258؛ من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 572 و بحار الأنوار، ج 2، ص 304.
- [47] . كافي، ج 1، ص 54، ح 2، باب البدع.
- [48] . "لا يجوز الاحتفال بمولد الرسول صلى الله عليه وسلم ولا غيره؛ لأنّ ذلك من البدع المحدثّة فى الدين، لأنّ الرسولَ (ص) لم يفعله ولا خلفاؤه الراشدون ولا غيرهم من الصحابة - رضی الله عنهم - ولا التابعون لهم بإحسان فى القرون المفضّلة". مجموع فتاوى و مقالات متنوعة، ج 1، ص 183 و فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء: ج 3، ص 18.
- [49] . لا يجوز الإحتفال بمن مات من الأنبياء والصالحين ولا إحياء ذكراهم بالموالد... لأنّ جميع ما ذكّر من البدع المحدثّة فى الدين و من وسائل الشرك". فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، ج 3، ص 54، فتاوى شماره 1774.
- [50] . اعراف (7) آیه 157.
- [51] . شورى (42) آیه 23.

- [52] . مائده (5) آیه 114.
- [53] . خداوند متعال در باره فائده و ثمره رسالت پیامبر گرامی می فرماید: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ". (أنفال (8) آیه 24) ای کسانی ایمان آورده اید، دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می خواند که شما را حیات می بخشد.
- [54] . فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء: ج 3، ص 88، فتاوی شماره 9403.